

تاریخ روانشناسی

محمود ساعتچی

« **وقتی که** »

هزاران سال است آدمی از خود در باره طبیعت انسان و حیوان سؤال‌هایی کرده و کوشیده است برای سؤالات پاسخهای قانع‌کننده و صحیحی پیدا کند. اگر این سؤالات را طبقه بندی کنیم، تعداد بسیاری از آنها را میتوان مربوط با آنچه اکنون بعنوان روانشناسی شناخته شده است دانست. در عصر ما نیز بسیاری از نویسندگان برجسته در همین بحث که مربوط به توصیف تجربیات خاص آدمی است، شرکت کرده‌اند.

اتر ارسطو بنام *De anima* علی‌رغم قدمتش، بعنوان یکی از رساله‌های بزرگی روانشناسی بجا مانده است. در آثار توماس هابز (۱) و نوشته‌های روانشناسانی که در قرن بیستم منتشر شده است، نکات مشابه جالبی وجود دارد. روانشناسان معاصر، فلاسفه انگلیسی قرن هفدهم و هیجدهم بخصوص جان لاک (۲)، دیوید هیوم (۳)، اسکاتز (۴) (که در پایان قرن هیجدهم و آغاز

۱ - **Tomas Hobbes** حکیم انگلیسی که در سال ۱۵۸۸ در یکی از شهرهای کوچک انگلستان زاده شده و در سال ۱۶۷۹ در نود و دو سالگی در گذشته است.

۲ - **John Locke** یکی از بزرگترین حکمای انگلیسی که در سال ۱۶۳۲ زاده شده و در هفتاد و دو سالگی در ۱۷۰۴ در گذشته است.

۳ - **David Hume** فیلسوف و مورخ که در سال ۱۷۱۱ در اسکاتلند دیده بجهان گشود و در سال ۱۷۷۶ در گذشت.

Scots - ۴

قرن نوزدهم زندگی میکرد)، رید (۵)، استوارت (۶) و توماس براون (۷) و افکار آنان را بعنوان پیشتازان روانشناسی قبول دارند.

بسیاری از نویسندگان نیز، مثل من تنی (۸) که آثار آنها بیشتر در زمینه ادبیات بوده و کار علمی منظمی در زمینه خاص روانشناسی نداشته‌اند، از واکنش (۹) آدمی توصیف‌های دقیقی کرده‌اند.

بهر حال روانشناسی که ما اکنون آنرا دارای اصول و قواعدی میدانیم تنها متشکل از یک سری سئوالات و مسائل تئوری نیست، بلکه شامل روش‌ها و فنونی است که مسائل بوسیله آنها تجزیه و تحلیل و تفسیر می‌شوند و نیز بکمک این روش‌ها در حال حاضر روانشناسی را بعنوان یک رشته از نظام‌های علمی و تجربی قبول کرده‌اند و از این نقطه نظر روانشناسی علمی تازه است که رشد آن دیرزمانی نیست که آغاز گشته است. اولین روانشناسان جدا از محققان رشته‌های دیگر، در حدود سال ۱۸۸۰ پیداشدند قبل از این تاریخ، مخصوصاً در دهه اول قرن نوزدهم تحقیقاتی در زمینه روانشناسی توسط فیزیک‌دانان یا فیزیولوژیست‌ها انجام شده بود یا در این زمینه مطالبی می‌نوشتند. قبل از

۵- Thomas Reid حکیم انگلیسی که با عقاید هیوم مخالف بود و از جمله در اینکه علمیت آنها در این نیست که امور دنیال یکدیگر بیابند، گفته است: شب و روز سرما و گرما با کمال نظم همواره دنیال یکدیگر می‌آیند و هیچ کس ننگفته است میان آنها رابطه علمیت است.

۶- Dugald Stewart حکیم انگلیسی که در اصول اخلاق اهمیت تام بمقاعده تداعی معانی داده است (سیر حکمت در اروپا جلد دوم انتشارات زوار ص ۱۵۶)

۷- Thomas Brown

۸- Maigne حکیم فرانسوی که در سال ۱۵۳۳ دیده بجهان

گشود و در سال ۱۵۹۲ درگذشت.

۹- Reaction (رفتاریک ارگا نیزم موقعیکه تحریک می‌شود).

سالهای قرن نوزدهم، مسائل مربوط به روانشناسی، یا با مسائل مربوط به میدان و محدودیت های دانش آدمی یکسان فرض می شدند یا باروش های مبتنی بر استدلال عقلی و فرضیات غیر تجربی که به این مسائل نسبت داده می شد، همراه بود.

ظاهراً تاریخ روانشناسی را باید با آثار و افکار کسانی که در آغاز با فلاسفه، فیزیک دانان، فیزیولوژیست ها (یا نویسندگان و ادبا که در همین حال متفکر نیز بودند، مثل کولریج ۱۰) متفاوت بودند، یعنی روانشناسان شروع کرد. ولی انجام این کار بسیار مشکل است، چه روانشناسی آغازی ساده و قابل تعریف ندارد.

آنچه را که در شکل گرفتن روانشناسی و در آغاز مؤثر بود، باید در زمانهای گذشته و دور پیدا کرد. مشکل دیگر ما اینست که تصمیم بگیریم تا کجا باید بعقب و گذشته های دور بازگردیم.

چون تاریخ روانشناسی در قرن نوزدهم یا حتی در دوره روم-یونان، شروع می شود. بنابراین اتخاذ تصمیم در این مورد که تا کجا باید بعقب بازگردیم، مشکل است. با توجه به مطالبی که تا کنون گفته شد، چنین بنظر می آید که اگر تاریخ روانشناسی را آغاز قرن نوزدهم شروع کنیم، کار ما چندان غیر منطقی نخواهد بود.

یکی دیگر از دلائل ما برای اینکار آنست که آنچه مربوط به دوره های گذشته می شود، در نوشته های فلسفی و علمی و در افکار کسانی که بعنوان متقدمین روانشنان اولیه شناخته شده اند، جذب و جمع شده است. چون روانشناسی فقط در ۲۰ سال آخر قرن نوزدهم بعنوان اصلی مستقل شناخته شد، بنابراین در حدود سالهای ۱۸۰۰ امکاناتی برای آزمایش اصول خود که بعنوان علمی جدید رشد میکرد، پیدا کرد.

۱۰ - Samuel Taylor Coleridge در سال ۱۷۷۲ در

انگلستان دیده به جهان گشود و در سال ۱۸۴۳ وفات یافت. او در نشر افکار رمانتیک فلسفه آلمان در انگلستان با «کارایل» شریک بود،

صرف نظر از پیچیدگی دودمان و اصل و نسب روانشناسی، چنین بهتر می‌رسد که روانشناسی جدید دارای دو دنیا، یعنی فلسفه شایع و مسلط اوائل قرن نوزدهم و نیز فیزیولوژی معاصر است. بعد از تولد روانشناسی، تأثیر خویشاوند نزدیک آن، یعنی پزشکی، در این علم بسیار زیاد بود و از طرف دیگر فامیل یکی از نیاکان او، یعنی زیست‌شناسی، قسمت مهمی از سرمایه نوزاد تازه را شکل داد. بهر حال هنگامیکه روانشناسی وارد زندگی فعال خود شد، تأثیرات خارجی دیگر، مخصوصاً علوم اجتماعی و فرهنگی باعث اصلاح و در نتیجه پیشرفت آن شدند.

از طرف دیگر تقاضا و خواسته‌های جامعه فنی پیچیده که موضوع جدید یعنی روانشناسی می‌توانست مورد استفاده آن قرار گیرد، در این پیشرفت مؤثر واقع شد.

در این سلسله مقالات، ابتدا در باره اینکه چگونه فلسفه و جنبه‌های خاص دیگر علم در آغاز بصورت اصلی جدید درآمد، و از آن بعد چگونه روانشناسی در محدود خود پیشرفت کرده، بحث خواهد شد. در قسمت‌های آخر بحث، خلاصه‌های نیز از آنچه بین سالهای ۱۹۴۰ و ۱۹۵۵ رخ داده است، بیان خواهد شد.

رویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رکورد صدور کتاب در جهان

انگلستان رکورد صدور کتاب را در سراسر جهان شکسته است. این کشور در سال ۱۹۱۱ تعداد ۲۴۸۹۳ تیر کتاب بسایر نقاط جهان صادر کرده است و بزرگترین ناشر جهان دفتر جهانی نشر کتاب دولت امریکا در واشنگتن است که سال ۱۵۰ میلیون نسخه کتاب منتشر می‌سازد.

کوچکترین رادار در جهان

کوچکترین رادار نوزاد یک کیلوگرم برای نیروی هوایی امریکا ساخته شده که بسیار کامل و دقیق است.